

## شگرفا کشور هند، شگرفا

مهرداد اوستا\*

سحرگه کز سپیده گشت رخشا  
چو شگرخند دلبند لاکشمی<sup>۱</sup>  
به کشتی از شکاف ابر تابد  
ز بس تابندگی چون آذرخشی  
سبک رفتار همچون رخس تقدیر  
به لب زد پرسش سرگشته‌ای نقش  
از ایدر آفرین زی سرزمینی  
همایون مرز و بومی کیش خرد گفت  
خجسته مرز و بوما حکمت توست  
فراز آن درفش آسمانی  
به مرز پاک و سرسبز بهارات<sup>۴</sup>  
به پاکی مهر رام<sup>۶</sup> و تبارش

پرنسد بامداد از بام خضرا  
که می‌تابد ز ایوان کریشنا<sup>۲</sup>  
نخستین پرتو خورشید عذرا  
فروزنده ز خشم و قهر شیوا<sup>۳</sup>  
گران پرواز همچون بال عنقا  
فرو ماندم به کار خویش، دردا  
کز او شد دیدگان عقل بینا  
شگرفا، کشور هند، شگرفا!  
بدان پهناوری کاین چرخ مینا  
فراز آن چراغ عالم آرا  
به قول هفت مردان و ویشستا<sup>۵</sup>  
به قُددس و دلفریبی حُسن سیتا<sup>۷</sup>

---

\* شاعر معاصر ایران.

۱. لاکشمی: یکی از الهگان بزرگ هندو.
۲. کریشنا: اوتار ویشنو.
۳. شیوا: نام یکی از خدایان سه‌گانه.
۴. بهارات: هندوستان.
۵. ویشستا: نام یکی از برهمنان برتر.
۶. رام: یکی دیگر از مظاهر ویشنو.
۷. سیتا: الهه زمین و محبوب رام.

برآید گوهر پاک لاکشمی  
 به اوتار<sup>۱</sup> عالمگیر ویشنو<sup>۲</sup>  
 ز حکمی دفتر و قولت همیدون  
 به گیتی بین چنان کوه است و باید  
 شکوه و دهشت افزایش ز نزدیک  
 نبینی هرچه افزون دارد آرام  
 به پندی کز لب نیلوفرینت  
 به آیین‌های هند و آریایی  
 خدایی بابتت چون با خود آیی  
 به جز از مهربانی کو چراغی  
 به فطرت رهنمون آمد بیمبر  
 همه عرفان و حکمت بود و اشراق  
 دو نام از یک حقیقت یافت خاطر  
 به شیوایی دم گویای ویشنو  
 به آیینی چنین در شیوه نظم  
 به فرمان چو درآید لفظ و معنی  
 چو یوگا و چه یجنا<sup>۹</sup> های هندو  
 به سرستان و گنج باد آورد

چو مروارید از امواج دریا  
 به پوراننا<sup>۳</sup>، ودا<sup>۴</sup> و، نارایانا<sup>۵</sup>  
 بسا، پندا، سزای دین و دنیا:  
 نه ز انسان کت به چشم آید هویدا  
 نماید کوه اگر از دور، زیبا  
 به سینه بیش دارد کینه دریا؟  
 شکوفا آمد از قول برهما<sup>۶</sup>  
 بسی نامد چون من دانا و بینا  
 چنین گفتند در گفتار گیتا  
 که بخشد روشنی جان را و دل را؟  
 چو مهر و مردمی ز آیین میترا  
 به آیات ودا و رامایانا<sup>۷</sup>  
 یکی یزدان و دیگر بهگوانا<sup>۸</sup>  
 به زیبایی لب خاموش بودا  
 یکی بنگر به آیین اوستا  
 فسون مار داند مار افسا  
 چه آیین‌ها و کیش مزدیسنا  
 به پاکی گوهر والای کارنا<sup>۱۰</sup>

۱. اوتار: تجلی‌ها و بازگشت‌ها.

۲. ویشنو: با نام‌های متعدد، و مظهر توحید در آیین ودایی.

۳. پورانا: از آثار مقدس و حماسی ودایی.

۴. ودا: نام چهار مجلد از آثار مقدس هندو.

۵. نارایانا: نام دیگری از خداوندگار ویشنو.

۶. برهما: یکی از مظاهر سه‌گانه ویشنو.

۷. رامایانا: یکی از آثار عاشقانه و کهن و مقدس ودایی.

۸. بهگوانا: نام دیگری از خداوندگار ویشنو.

۹. یجنا: آیین قربانی.

۱۰. کارنا: یکی از پهلوانان مهاباراتا رزم‌نامه.

به‌دامان دراو‌پادی<sup>۱</sup> پاک  
 گهی خیزد ز جانم ناله<sup>۲</sup> چنگ  
 ز بس آوارگی تا زنده مانم  
 بنالم آن‌چنان کز دل بنالید  
 برآر اینک یکی ای سینه فریاد  
 برآر اینک یکی ای ناله آوا  
 بنالم همچو خاقانی ز بیداد  
 سزد گر خوانم این ایبات غرأ  
 زبان روغنی‌نم ز آتش آه  
 بسوزد چون دل قن‌دیل ترسا  
 برآرم زین دل چون خوان زنبور  
 چو زنبوران خون آلوده غوغا  
 الا تا هفت اختر گرد خورشید  
 هماره سال و مه باشند یویا  
 بیاید جاودانه کشور هند  
 سرافراز و نوآیین و توانا

- 
۱. دراو‌پادی: نام همسر برادران پاندویی در همان رزم‌نامه.
  ۲. ارجونا: نام یکی از قهرمانان همان رزم‌نامه.
  ۳. بهیشما: نام یکی از قهرمانان همان رزم‌نامه.
  ۴. سازیست.